

— زینت میرهاشمی

لایحه الحاق ایران به «کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» که در ۱۷ دی ماه، توسط دولت خاتمی به مجلس آورده شده بود، در ۲۴ بهمن ماه، در کمیسیون فرهنگی مجلس ارتجاع به تصویب رسید. ما در اطلاعیه‌ای به تاریخ ۱۸ دی ماه اعلام کردیم که «لایحه جدید دولت خاتمی یک مانور پوشالی برای نهادینه کردن تبعیض جنسی است». هدف از طرح و تصویب چنین لایحه‌ای بنا به زبان خود پیشنهادکنندگان و تصویب کنندگان آن، نشان دادن چهره‌ای دیگر از جمهوری اسلامی که تاکنون در مجامع بین‌المللی، به عنوان ناقض کامل حقوق زنان، شناخته شده است، می‌باشد. از آن جایی که در تمام دوران حیات حکومت استبدادی مذهبی جمهوری اسلامی، نقض مستمر حقوق زنان، در زمینه اشتغال، تحصیل، کار و حقوق فردی و خانوادگی، و سرکوب در اشکال مختلف و منجمله سنگسار و به یکی از وجوه مشخصه و بارز این حکومت تبدیل شده است، به همین دلیل در تمام مجامع بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری و افکار بین‌المللی، رژیم ایران به عنوان یک حکومت نقض کننده حقوق زنان شناخته شده و همواره و برای بار چهل و چندمین بار توسط مجمع عمومی ملل متحد محکوم شده است. همان‌طور که بارها گفته‌ایم نقض حقوق زنان در ایران علاوه بر تکیه بر باورها و ارزشهای نهفته در فرهنگ مردسالارانه رایج، تکیه‌گاه اصلی خود را بر قوانین ارتجاعی، شرعی و قرون وسطایی این رژیم قرار داده است. و با وجود این حکومت نه تنها افکار و باورهای سنتی و عقب‌افتاده ضد زن در بخشی از مردم ضعیف نشده بلکه، این قوانین و سیستم حکومتی، به آن رشد و بال و پر هم داده است. دیدگاه‌های ضد زن اگر چه در اقلیتی از اقشار مردم به شدت وجود دارد، اما با پشتوانه قانون نقش خود را اجرا می‌کند و نهادینه شده است.

در شرایط فعلی، بخشی از حاکمیت که قصد آرایش کردن و هرچه لطیف‌تر نشان دادن چهره هیولایی این رژیم در خارج از ایران را دارد، قصد دارند همان‌طور که در دوره انتخابات ضد دموکراتیک ریاست جمهوری، و آمدن خاتمی به میدان، حمایت زنان را علم کردند و با گفتن این که زنان حامی اصلی خاتمی بودند، گویا این بار هم بهای ثابت کردن «اصلاح‌طلب بودن» مجلس در مجامع بین‌المللی را زنان ایران باید بپردازند. شجاعیان پوریان نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس ارتجاع می‌گوید: «الحاق ایران به کنوانسیون محو کلیه تبعیض علیه زنان نقش فعالی برای حضور زنان ایرانی در مجامع بین‌المللی ایجاد می‌کند. برای این که نظر شورای نگهبان تامین گردد در این لایحه تصریح شده مواردی که با شرع مطابقت دارد قابل اجرا است.» (ایرنا ۲۴ بهمن)

طرح کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در تضاد کامل با قانون اساسی و دیگر قوانین جمهوری اسلامی که بر پایه شرع است، قرار دارد. قید کردن هر گونه شرطی در آن یعنی بی محتوا کردن آن. به ویژه که نقاط اختلاف این کنوانسیون با قوانین و رفتار رژیم ایران در مورد زنان، نقاطی اساسی و تعیین کننده در شناخت حقوق زن و خانواده است. مثلاً در رژیم ایران تبعیض علیه زنان از این بینش که خانواده سلول جامعه و رئیس خانواده مرد است، آغاز می‌شود. در این مورد هر دو جناح رژیم توافق کامل دارند و حاضر نیستند از نقش مقدس زن در خانواده کوتاه بیایند. این امر یکی از چالشهای رژیم ایران با حقوق زنان است. پس در گام اول زن در مقام یک فرد دارای حقوق فردی خود نیست و همچنین اجرای قوانین دیگر که در قانون اساسی و مدنی رژیم در مورد زنان وجود دارد، عملکرد این رژیم را در این دوران هویت می‌بخشد.

شهین‌دخت مولوردی سرپرست ارتباطات بین‌المللی مرکز امور مشارکت زنان در رژیم می‌گوید: «از آن جا که الحاق ایران به این کنوانسیون مشروط است، با قرار دادن شرط کلی «عدم مغایرت با موازین شرعی» ابتکار عمل را به دست گرفته و می‌توانیم پیامدهای مختلف این الحاق را با توجه به منافع خود و به صورت ارادی تنظیم کنیم.» و در دفاع از پیامدهای مثبت آن: «کاهش بار سنگین انتقادات و بهانه‌جوییها علیه ایران و رفع اتهام نقض حقوق بشر علیه ایران» می‌داند. و می‌گوید: «ایران مغایرت‌های بسیاری با این کنوانسیون دارد و اگر شرط موردی قرار داده می‌شد، الحاق ایران به هیچوجه مورد پذیرش قرار نمی‌گرفت.» (ایسنا ۱۴ بهمن)

پس بسیار روشن است که تصویب این طرح (قبل از صافی شورای نگهبان) در گام اول فریب افکار عمومی و مجامع بین‌المللی حقوق بشری، و در گام بعدی کمک به هرچه نهادینه کردن تبعیض جنسی است. به ویژه این که شرط گذاشته

شده مبنی بر این که «در صورت اختلاف در تغییر با اجرای کنوانسیون، ایران موظف به اجرای ترتیبات حل اختلاف از طریق داوری با ارجاع به دیوان بین‌الملل دادگستری نمی‌باشد.» به این معنی است که رژیم اساس داوری بین‌المللی را نمی‌پذیرد. در حالی که زنان در ایران سنگسار می‌شوند، دیپلمات‌های رژیم می‌خواهند با اتکاء بر این الحاق، این اعمال وحشیانه را در زیر خنده‌های خود بپوشانند. از آن جایی که هیچ داوری و دخالت بین‌المللی وجود ندارد، استمرار نقض حقوق زنان هم نهادینه‌تر خواهد شد.

بار دیگر تأکید می‌کنیم که نقض حقوق زنان، نقض حقوق بشر است و پیوستن با هرگونه شرط و شروطی که منافع رژیم را در بر بگیرد، اساساً فریب و ناقض حقوق زنان است. تاریخ حیات رژیم نشان داده شده که تحقق حقوق زنان در تضاد کامل با موجودیت این رژیم و قوانین آن می‌باشد.